

### ❶ روابط بین کلمات:

❶ یکی از مشکلاتی که دانش آموزان را در درک مفهوم دچار مشکل میکند " روابط بین کلمات " است. منظور از روابط بین کلمات یعنی کلماتی که رابطه شان با هم فقط یک کسره است.

👉 ۵ ترکیب زیر را در نظر بگیرید : گل سرخ / کتاب علی / دریای محبت / چشم آسمان / چشم محبت.

اگر بنا باشد بین این ها تمایز قائل باشیم با افزودن پسوند " تر " به همه اینها، از این پنج ترکیب چهار تا جدا میشه و یکی باقی می ماند. یعنی کلمه سرخ پسوند " تر " رو می گیرد و بقیه نمی گیرند . بنابراین ترکیب اول موصوف و صفت و بقیه مضاف مضاف الیه.

❷ در نتیجه موصوف و صفت در راه کشف معنی و مفهوم و قرابت برای دانش آموز مشکل خاصی ایجاد نمی کند همین که کلمه سرخ رو حذف کنه. عبارات کوتاه تر خواهد شد.

اما ترکیب های باقی مانده ؛ برای ایجاد تمایز بین آنها کافیه از یه روش دوم استفاده کنیم :

❸ روش دوم برای تفکیک این ها یا چهار ترکیب باقی مانده این است که: از این چهار ترکیب فقط یک ترکیب یعنی کتاب علی هست که خارج از ذهن وجود دارد و بقیه وجود ندارند.

بنابراین کتاب علی هم یک ترکیب اضافه یا اضافه اختصاصی است که برای کشف معنی مانعی ایجاد نمی کند.

البته ضرورت داشت برای اینکه به سه ترکیب بعد در قالب گفتار و تفهیم دانش آموز برسیم از این مسیر عبور کنیم که تا حالا تو ذهنشون مشکل ایجاد نشد یا سوالی مانع دریافت فهمشان نباشد.

❹ برای تمایز سه ترکیب باقی مانده ما باز راه سومی را پیشنهاد می کنیم که این سه تا باهم دیگه چه تفاوتی دارند؟

❷ کافیه اعتقاد داشته باشیم که اگر مضاف درسه ترکیب باقی مانده کل باشد با بقیه متفاوت است.

❸ چون مضاف در دریای محبت کل هست پس دریای محبت تشبیه هست در حالی که در دوتایی باقی مانده مضاف جزهست پس تشبیه نیست.

👉 برای تمایز دو ترکیب باقیمانده " چشم آسمان و چشم محبت " روشی پیشنهاد می کنم:

❶ یعنی در مسیر دریافت مفهوم منظور شاعر کلمات بعد از کسره به هر دلیلی چه موصوف و صفت باشد چه مضاف و مضاف الیه باشد چه تشبیه باشد و چه استعاره مکنیه و تشخیص و اضافه اقترانی باشد مانع کار هست و لزومی ندارد سر راه دانش آموز قرار بگیرد می توانیم بگیم که حذفشون کنه

❷ بخش دوم:

بحث **اسلوب معادله** است. اگر دانش آموز در کلاس از معلم اسلوب معادله رو یاد بگیره به این نتیجه میرسه به هنگام دریافت قرابت مفاهیم و معنایی یکی از دو مصراع رو که در قالب تمثیل آمده، حذف کنه.

❸ □ نکته بعدی، **تفاوتی** که بین آرایه های کنایه مجاز و استعاره مصرحه وجود دارد مطرح است.

❶ معمولاً جایی که ترکیبی کنایی وجود داشته باشد هر دو معنی رو میشه به شکلی در معنی شعر به کاربرد اگرچه مقصود شاعر یا نویسنده معنی دوم است.

❶ و در رابطه با "مجاز و استعاره" یک وجه مشترکی وجود داره با اندک تفاوت. که میتونیم با طرح آن، مشکلی از مشکلات قرابت رو حل کنیم.

❶ □ می توانیم به دانش آموز بگیم تفاوت مجاز و استعاره برای پیدا کردن با سرعت در یک متن به این شکل خیلی راحت: **PP**

که اگر هنگام معنی کردن عبارتی چه شعر و چه نثر، کلمه ای حذف شد و کلمه ای جای آن آمد اگر کلمه ی جایگزین با کلمه محذوف رابطه اش شباهت نباشد "مجاز" است و اگر رابطش شباهت باشد، "استعاره مصرحه" هست.

به عنوان مثال:

" جهان دل نهاده بر این داستان " وقتی این مصراع رو معنی می کنیم. " جهان " جاشو با کلمه " مردم " عوض میکنه.

مثالی دیگر:

❶ در نتیجه

در مثال اول، کلمه " مردم " با " جهان " شباهت نداره میشه مجاز و در مثال دوم، " صورت " با " ماه " معمولاً به صورت شباهت به کار میره میشه استعاره مصرحه.

❷ اما در تعدادی از موارد، معانی بیان را میشود در آموزش قرابت استفاده کرد و از آن بهره برد تا به نفع دانش آموز باشد به عنوان مثال ؛ به کار بردن برخی جملات به اقتضای حال به جای همدیگه است.

❶ در معانی بیان به طور مختصر بخواهیم عرض کنیم ۴ جمله را در نظر بگیریم: خبری. پرسشی. امری. عاطفی

○ همیشه خبر یا جمله خبری کامل یک خبر است و پرسشی کامل یک پرسش و امری و عاطفی هم همینطور. البته در شرایط عادی.

○ اما در متون ادبی گاهی این جملات به جای همدیگه به کار میرن و توجه به این نکته در دریافت مقصود شاعر کمک شایانی به دانش آموز خواهد کرد چون اغلب متونی که در کنکور استفاده میشه از شاعران بزرگ است

□ مثالی را مطرح می‌کنم: در مورد جمله خبری بسیاری از جملات خبری هستند که قصدشون خبر نیست یا اقتضای حال به کارگری این جمله خبری نیست: **۲۲**

□ □ به عنوان مثال ؛ آدم متکدی که کنار خیابان نشسته و دستش رو بلند کرده و میگه من فقیرم.

جمله ایشان خبری هست ؛ اما قصد ایشان امره. یعنی پول بده یعنی کمک کن.

○ □ به همین قیاس بسیاری از جملات خبری که مثلاً در دیوان حافظ در اشعار سعدی و سایر شعرا هست ممکنه چنین شرایطی داشته باشد.

○ یا مثلاً ؛ وقتی جمله پرسشی به کار می‌بریم، همیشه که پرسش نیست گاهی ممکنه خبر باشه.

به عنوان مثال: "به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا"

عبارت پرسشی هست ؛ اما اقتضای حال و قصد شاعر خبراست.

○ بنابراین تعریف استفهام انکاری: به کار بردن خبر به صورت پرسش به قصد تاکید.

✓ مثال ها:

"فرو گرفت جهان را مهابت تو چنان که

هست دم زدن دشمنت به دشواری." "ظهير فاريابی"

○ در این بیت چیزی که خیلی به چشم میاد فعلی است که اول جمله واقع شده. "فرو گرفت." اگر طراح سوال کنکور، مصراع اول رو ملاک قرار بده. طبیعتاً چیزی که خیلی در اولویت خواهد بود کلمه "فرو گرفت" فعلی است از مصدر فرو گرفتن که در این بیت به معنی تصرف کردن است که ممکن مورد نظر طراحی سوال باشه.

○ یا اگر در مصراع دوم بخواهد روی گزینه ای انگشت بگذارد "دم زدن" خواهد بود و طبیعتاً سایر کلمات موجود در بیت برای طراح سوال چندان ارزش نخواهد داشت همانطور که می بینیم در این بیت کلمه ای بعد از کسره واقع نشده که ما از آن رهگذر بیابیم موانع را برطرف کنیم.

مثال دو:

"بدو گفت با شاه ایران بگویند / که نادیده بر ما فرونی مجویند."

○ در اینجا مصراع اول فعل امر داره پس مقصود شاعر در مصراع اول نیست پس می‌تونیم در مصراع اول مثل اون شعرهایی که اسلوب معادله دارن از بررسی آن در جلسه کنکور صرف نظر کنیم البته با القای این مطلب، به دانش آموز. و در مصراع دوم هم نقطه تاکید شاعر، فزونی مجوی یعنی فزونی جستن. منظور برتری جستن هست که ممکن است نظر طراح سوال کنکور باشد. البته نادیده هم که مفهوم قیدی به فعل جمله اضافه کرده ممکن مورد توجه باشه همیشه به اون هم تاکید کرد.

مثال سوم:

"جبه ای راجانب کان چون برم؟ / قطره ای را سوی عمان چون برم؟"

○ در این مثال مولوی با پرسشی که بیان می کنداگر چه پرسش هست. قائل به یک نوع جمله خبری هست یعنی ناتوانم از این که خدا مرا به این دریا وصل کند. یک مفهوم عجزی در هر دو مصراع پیداست و چون حرفش رو دوباره تکرار کرد میشه هر کدام از این مصراع ها را حذف کرد و دیگری رو ملاک قرار داد و دیگه نیاز به بررسی هر دو مصراع نیست.

مثال چهارم:

"حافظ آن روزطرب نامه ی عشق تو نوشت / که قلم بر سر اسباب دل خرم زد."

○ در اینجا کلمه عشق، اسباب و خرم. به دلیل اینکه بعد از کسره هستند و به دلیل اینکه هرکدام بعد از کسره نام خاصی دارند که توضیح دادیم میشه اونا رو حذف کرد و و مجموعه مورد بررسی را کوچک تر کرد و راحت تر بررسی کرد و زودتر به مقصود شاعر رسید. چون مصراع دوم در این بیت بعد از که آمده که مقصود شاعر در این جمع شده یا پیرو هست یا وابسته این جمله مرکب است بنابراین از این رهگذرمیشه به مصراع اول نیز در این قالب هم بی توجه شد.

مثال پنجم:

"دوستان قیمت صحبت بشناسید که چرخ / دوستان راز هم انداخته بسیار جدا" "هلالی جغتایی"

○ دراین بیت موضوع مورد بحث درمصرع اول معاشرت و همنشینی و درمصراع دوم که از کلمه چرخ البته به بعد شروع میشه، جدایی است میشود حتی قید ها را هم در این بررسی کنار گذاشت. ارزش معاشرت با دوستان به جهت پرهیز از جدایی در این بیت اشاره شده

مثال ششم:

"ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید / هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند."

○ در این بیت شاعر ادعا کرده که ما ناتوان از رسیدن به مقصد عالی و عالی رتبه هستیم و رسیدن به اون مقصودرو مشروط به یک شخصی دانسته که در مصرع دوم اومده یعنی بازم مصرع اول ملاک نیست یعنی عطف توجه دانش آموز به موارد اینچنینی در مصرع دوم.

مثال هفتم:

"حجاب چهره جان می شود غبار تنم / خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم."

○ در این بیت، کلمه "چهره و تن" میشه حذف بشه و مورد بررسی واقع نشه کلمه حجاب و پرده افکندن دو ترکیب که مورد نظر شاعر است همیشه باید به این دو توجه کرد. یعنی در چنین جمله ای فاعل جمله یا نهاد جمله، کلید دریافت مفهوم هست. و آرزویی که شاعر در مصراع دوم از آن سخن گفته.

مثال هشتم:

" زبان خامه ندارد سر بیانِ فراق / و گرنه شرح دهم با تو داستان فراق "

○ در این بیت هم حرف ربط و گرنه در مصراع دوم نشان میدهد که قصد شاعر در مصراع اول ریخته شده زبان خامه ندارد سر بیان فراق و گرنه شرح دهم با تو داستان فراق.

سوال: تفاوت تشخیص و اضافه اقترانی و رابطه‌شان؟

📌 پاسخ:

" چشم آسمان " و " چشم ادب " یا " دست آسمان " و " دست ادب " را به خاطر داشته باشید.

👉 در مرحله اول برای انتقال این مفهوم که تفاوت این دو چیست؟ و نامشان چیست؟ کافیت از دانش آموز بخواهیم که بین دو کلمه در ترکیب اول و ترکیب دوم، همراه، بگذارد. یعنی کلمه همراه را اضافه کنیم که بشه سه کلمه:

دست همراه آسمان، / دست همراه ادب

□ در دست همراه آسمان، ترکیب بی معنی است چون بی معنی است، تشخیص است. و در دست همراه ادب چون معنی داره پس اضافه اقترانی است. مثل این که با دست ادب کتاب را به معلم میدهد.